

گفت و گو

نشر دینی در لبنان

گفت و گو با

دکتر محمدرضا وصفی



اشاره:

آقای دکتر محمدرضا وصفی، در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه سنت ژوزف بیروت نایل به دریافت دانشنامه عالی گردیده است. پایان نامه دکتری وی در آن دانشگاه «روابط بین اسلام و مسیحیت از دیدگاه انسان شناسی در دوره اول صفویه» است. تاکنون از وی مقالات و کتاب‌هایی به زبان‌های فارسی، عربی، فرانسه به چاپ رسیده است.

○ فضای تاریخی لبنان از نظر فعالیت‌های دینی چگونه است؟
○ لبنان بخشی از منطقه شام، شامل سوریه، فلسطین و اردن فعلی، است و حوزه جبل‌العامل که در جنوب لبنان قرار دارد و در عصر شهید اول و دوم و عالمانی چون محقق کرکی و عبدالصمد، پدر شیخ بهایی، پایگاه اصلی شیعه بوده است. جبل‌العامل در دوران صفویه مرکز سیاسی فعالی به شمار می‌رفت. اما در نیمه دوم قرن شانزدهم میلادی با قدرت یافتن امیرفخرالدین با اینکه خود یک دروزی (شاخه‌ای از اسماعیلی‌ها) است، حوزه شیعه لبنان تضعیف شد و بعد از این دوران لبنان هیچ‌گاه نتوانست قدرت گذشته خود را در عرصه علوم اسلامی ایفا کند. حتی بعضی از خانواده‌های بزرگ شیعی منطقه جبل‌العامل مانند خاندان هاشم که از سادات هستند برای حفظ جان خود مجبور به ترک اسلام شده و دیانت مسیحی را برگزیدند و برخی دیگر سنی شدند و طبیعی است که با گذشت

چند نسل امروزه حقیقت پیشین خود را گم کردند.

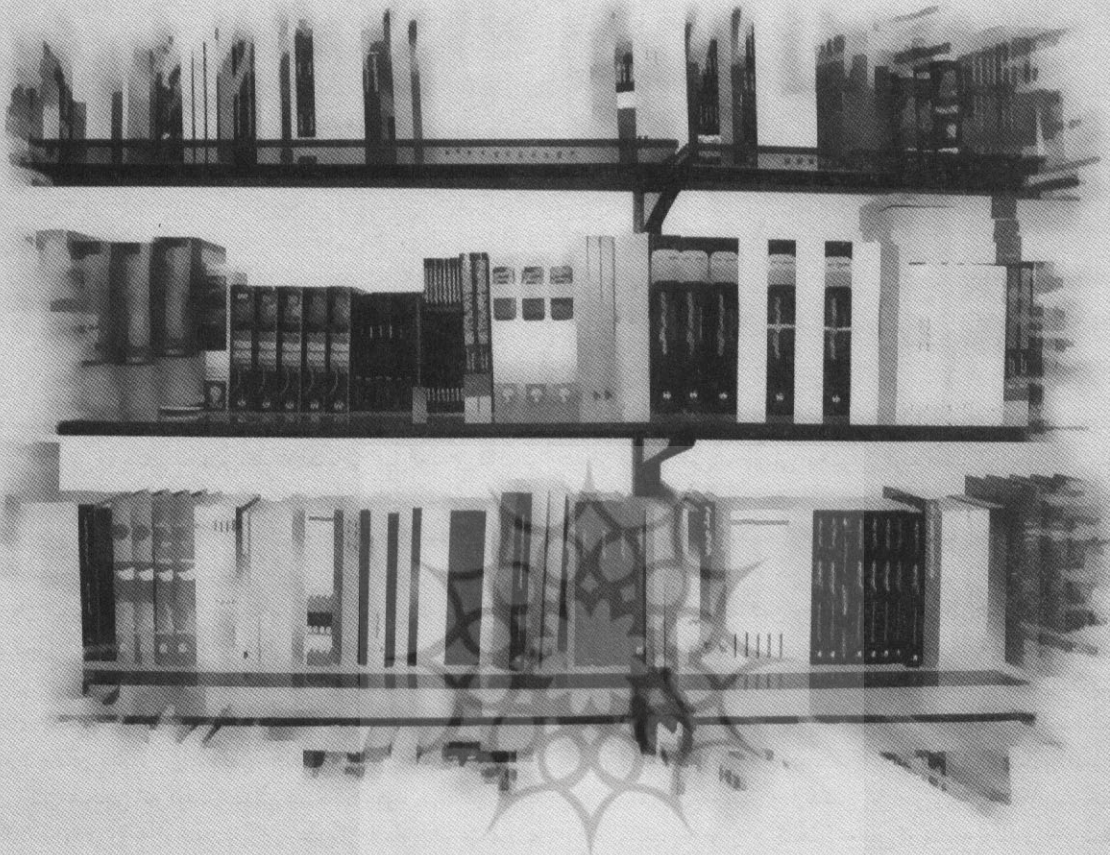
خاندان بزرگ هاشم که هنوز جایگاه اجتماعی فوق‌العاده‌ای دارند در منطقه کسروان می‌زیستند. آن زمان کسروان روستاهای شیعی بسیاری داشت (حدود چهارصد روستا) اما شیعیان به اجبار منطقه کسروان را ترک و به صیدا و صور هجرت کردند. لازم به ذکر است کسروان همان خسروان است و نامی است ایرانی به یاد مانده از زمانی که لبنان کنونی جزو گسل تاریخی امپراتوری‌های کهن ایرانی بود.

در حال حاضر در منتهی‌الیه دره کسروان (منطقه بقاع) هنوز چند روستای شیعه‌نشین باقی مانده است. درحقیقت لبنان از نظر جغرافیایی طبیعی، فضای مناسبی برای حضور اقلیت‌های دینی و مذهبی است. برای مثال هنگامی که دولت حمدانی در حلب سقوط کرد، شیعیان با مشکلات زیادی رو به رو شدند و برای رهایی از ظلم و ستم عثمانی به مناطق کوهستانی لبنان هجرت کردند. لبنان با توجه به فضای جغرافیایی طبیعی، اقلیت‌های دینی - مذهبی متعددی را در خود جای داده است و ناخواسته شرایط اقلیمی منطقه تکثری دینی در آنجا فراهم آورده است.

○ درباره تفکر اسلامی در لبنان توضیح بفرمائید؟

○ مراکز دینی لبنان در طول تاریخ در حوزه تفکر شیعی فعال بوده است. اما در حوزه اهل سنت تقریباً حوزه دینی و تاریخی قابل توجهی که قابل مقایسه با حوزه‌های دمشق یا قاهره باشد وجود ندارد. البته در گذشته، یعنی در دوره امام باقر و امام صادق علیهما السلام شخصیتی مانند امام اوزاعی وجود دارد که مدتی نیز نزد آن بزرگواران تلمذ کرده و توانسته نظام فقه ویژه‌ای را که هم‌اکنون از بین رفته تاسیس کند. دستگاه فقهی او بسیار متسامح است. براساس همین تسامح، وی نامه مفصلی برای سلاطین می‌فرستد و از حقوق مسیحیان که در آن زمان به شدت تحت فشار بودند دفاع می‌کند. در حوزه‌های دیگر فقهی اهل سنت، مثل شافعی، مالکی و حنفی به رغم فعالیت ممالیک در این منطقه، نکته قابل توجهی مشاهده نمی‌شود. مگر در شهر طرابلس که وضع خاصی دارد. در دوره جنگ‌های صلیبی عملاً آثار کهن در طرابلس از بین رفت. پیش از این ویرانی، ناصرخسرو به طرابلس سفر کرده بود و آنجا را حوزه

فعال تمدن اسلامی وصف کرده است. ظاهراً سعدی نیز به این منطقه سفر کرده و حتی به فارسی سخنرانی کرده است. این خود حاکی از آن است که در آن منطقه ایرانیان بی‌شمار بوده‌اند. در هر حال گزارش‌هایی در دست داریم که حکایت از فعال بودن آنجاست. اما در حال حاضر اثری از آن فعالیت و جنب و جوش در شمال لبنان به چشم نمی‌خورد. در طرابلس هنوز مساجد کهن وجود دارد ولی از مراکز علمی و کتابخانه‌های دوران گذشته خبری نیست. در عصر جدید یعنی زمانی که لبنان تصمیم می‌گیرد حوزه سیاسی خودمختاری در دولت عثمانی داشته باشد، پیروان مسیحیت در عرصه‌های مختلف دین نقش فعالی ایفا می‌کنند. کم کم مبلغان مسیحی وارد این حوزه می‌شوند و سعی می‌کنند بر مسیحیت شرق اعم از مارونی و ارتدکس و آشوری تاثیر بگذارند. مبلغان فرانسویسکین از دوران جنگ‌های صلیبی در منطقه بودند و ژوزویت‌ها که مبلغان فرانسوی کاتولیک‌اند نیز حضور فعالی پیدا می‌کنند و از این به بعد نشر دینی به معنای عام یعنی، خارج از حوزه انحصاری اسلام یا مسیحیت، ارتباط تنگاتنگی با آموزش دینی پیدا می‌کند و در هر محیطی که آموزش دینی مشاهده می‌شود نشر دینی هم دیده می‌شود. به همین علت از همان آغاز تأسیس دانشکده سن ژوزف در بیروت، دارالمشرق نیز به عنوان یک مرکز انتشاراتی در کنار آن تشکیل می‌شود و مجله المشرق را منتشر می‌کند که سابقه صد و چند ساله دارد و نیز صدها کتاب در حوزه مطالعاتی اسلامی و شرقی از سوی این مرکز منتشر شده است. در عین حال وقتی پروتستان‌ها وارد لبنان می‌شوند دانشگاه آمریکایی تأسیس می‌شود و در کنار آن فعالیت‌های کتابخانه‌ای و انتشاراتی بزرگی شکل می‌گیرد. جالب توجه است که نخستین کتب سری از انجیل، به زبان فارسی در این دوران و از سوی همین دانشگاه چاپ می‌شود و به ایران ارسال می‌شود، به خصوص در مدرسه پروتستان‌ها در آذربایجان. به عبارت دیگر دانشگاه آمریکایی نقش حمایت از آیین پروتستان را در کل منطقه خاورمیانه برعهده می‌گیرد. این نقش با توجه به فروکاسته شدن قدرت پروتستان در ایران فعال‌تر می‌شود. در قرن بیستم و با سقوط دولت عثمانی به عنوان دولتی که عصبیت را در منطقه دامن می‌زد، فضای حاکم بر دانشگاه آمریکایی نیز سمت و سوی دیگری یافت و به تاثیر از فضای منطقه،



فراز و نشیبی بسیار به عمر خود ادامه می‌دهد و هرچند که با وقفه‌های طولانی رو به رو شده است اما گزارش‌های بسیار خوبی در آن، از جمله درباره بازتاب انقلاب مشروطه در جهان و فعالیت طلبه‌های جوان در نجف که شروع به فعالیت‌های انتشاراتی در حمایت از مشروطه کرده‌اند به چشم می‌خورد. به هر حال این مجله یکی از کهن‌ترین حوزه‌های نشر دینی در اوایل قرن بیستم به شمار می‌آید.

○ درباره تاریخچه آموزش در میان مسلمانان لبنان توضیح

بفرمائید؟

○ اهل سنت با تشکیل «جمعیت مقاصد دینی» اولین گام را برای فعال کردن عرصه آموزش برداشتند. از دل «جمعیت مقاصد دینی» مدارس تأسیس می‌شود که به تعلیم و آموزش دین، قرآن و تاریخ اسلام می‌پردازد و از همان فضا انتشاراتی‌های بزرگی شکل می‌گیرد که کارشان نشر آثار دینی است. جمعیت مقاصد سرمایه خود را از راه موقوفات تأمین می‌کند این مجموعه از وقف‌ها در منطقه بیروت فراوان است. باید یادآور شد که وقف برای حمایت از فعالیت‌های تبلیغی و دینی در لبنان چه در میان مسیحیان و چه در میان مسلمانان فوق‌العاده فعال و با اهمیت است. وقف در لبنان در دست حکومت قرار ندارد و مجمع رسمی روحانیت به نام

بخشهای سکولار، و دانشکده الهیات پروتستان از یکدیگر جدا شد. دانشکده الهیات پروتستان به مسائل دینی و دانشگاه آمریکایی بیشتر به رشته‌های علوم اختصاص یافت. فضای سکولار در این دانشگاه آنگونه قوت دارد که در قوانین خود ورود روحانیان مسلمان و مسیحی با لباس دینی به دانشگاه ممنوع است. به هر حال مهم این است که با تشکیل مراکز آموزشی، مؤسسات انتشاراتی یا فضای نشر دینی شکل می‌گیرد.

○ فضای قرن بیستم با توجه به ورود صنعت چاپ در این حوزه

جغرافیایی چه تحولاتی را ایجاد کرد؟

○ از ابتدای قرن بیستم یا بهتر بگوییم از زمانی که چاپ سربی در منطقه شکل می‌گیرد مسیحیان و سپس مسلمانان در عرصه نشر فعال شدند. البته نشر کتاب‌های سربی در قاهره بر بیروت پیشی دارد، در ابتدا این قاهره بود که حوزه نجف را نیز تحت‌تاثیر نشر دینی خود قرار داده بود. علمای نجف برای نخستین بار کتاب‌های سربی را با تیراژ بالا که از قاهره صادر می‌شود خریداری می‌کردند. در همان زمان در صیدا توسط خانواده شیعی الزین کتابفروشی و کتابخانه‌ای شکل گرفت که مجله العرفان را منتشر می‌کند. العرفان در سال ۱۹۰۷ متولد می‌شود و تا امروز همچنان با

جامعه علمی آن ارتباط برقرار کنند، پلی میان شرق و غرب است. به همین علت برای برخی از نواندیشان دینی و نخبگان ایرانی که از ایران خارج می‌شدند، لبنان پایگاه مناسبی بود، به خصوص که می‌دانیم در دوره قاجار زبان دوم در ایران فرانسه بود و در لبنان هم زبان فرانسه دارای جایگاه ویژه‌ای است.

از نیمه دوم قرن بیستم به بعد فضای نشر دینی در لبنان گونه‌ای دیگر می‌یابد. فضای سیاسی جدید در عراق شکل دیگر می‌گیرد و با مرور زمان طبقه‌ای که در عرصه فرهنگ دینی و تجارت در این حوزه فعال اند از عراق به لبنان منتقل می‌شوند. نشر شیعی در لبنان با حضور ایرانی‌تبارها پررونق می‌شود. از جمله مصطفی ایرانی با تأسیس دارالاحیاء التراث، حاج حامد عزیزی با تأسیس دارالتعارف و آقای اعلمی با تأسیس انتشارات اعلمی فضای نشر دینی لبنان را دگرگون و نشر شیعی را در منطقه جنوب بیروت سامان‌دهی و طراحی می‌کنند. نسل دوم ناشران دینی در بین شیعیان، لبنانی‌ها و عراقی‌ها هستند. بنابراین ورود به عرصه نشر دینی نخست به همت ایرانیانی است که از عراق به لبنان هجرت کردند.

○ این اتفاق در عرصه نشر دینی و میان اهل سنت چگونه است؟

○ نشر دینی سنی به شکل خاص پس از استقلال لبنان شکل گرفت، آنها نیز با تمام قوت به میدان آمدند. سنی‌های لبنان دیدگاهی امتی دارند و خود را متعلق به کل جهان اسلام می‌دانند. تا سال‌ها پیش کسانی که می‌خواستند به آموزش دینی بپردازند به قاهره یا دمشق می‌رفتند و طبیعی بود که حوزه‌های سنی فعال در لبنان وجود نداشت. اما با استقلال لبنان جایگاه اهل سنت در این کشور نیز به شکل مستقل رونق گرفت و آنها در کنار آموزش دینی نشر دینی را هم فعال کردند. اگر بخواهیم براساس یک رتبه‌بندی زمانی سخن بگوییم می‌توان گفت نخست کاتولیک‌ها به عرصه آموزش، تبلیغ و نشر در لبنان پرداختند. سپس پروتستان‌ها، بعد اهل سنت و در پایان شیعیان و ارتدکس‌ها. ارتدکس‌ها و سریانی‌های مسیحی با جغرافیای منطقه نیز ارتباط دارند و به همین علت آموزش و نشر دینی آنها شامل کشورهای سوریه و فلسطین و اردن نیز می‌شود. به هر حال سنی‌ها و شیعه‌ها در مقایسه با مسیحیان گام‌ها را دیرتر برداشتند و شیعیان از همه دیرتر به آموزش کلاسیک فرزندان خود اقدام کردند. نخست شیخ مهاجر مدرسه‌ای به معنای امروزی ساخت بعد خانواده بیضون مدرسه عاملیه را تأسیس کردند. شاه ایران هم به گشایش آن مدرسه کمک کرد، البته مشروط به آنکه زبان فارسی در آنجا آموزش داده شود. عموزاده‌های هویدا هم که همراه با او در لبنان تحصیل کرده بودند، در عرصه آموزش شیعیان فعال بودند. از جمله نخستین استادان آموزش زبان فارسی مدرسه عاملیه آقای دکتر لواسانی است. البته بودجه این مدرسه عمدتاً از طریق شیعیان مهاجر به افریقا تامین می‌شد و کمک گویا فقط یک بار انجام شد. بعد از مدرسه عاملیه، امام موسی صدر به آموزش شیعیان کمک کرد. در پایان جمعیت تعلیم دینی شیعیان و مجموعه مدارس المهدی را باید ذکر کرد این

دارالفتوی یا مجلس شیعه اعلی از وقف و عایدات آن بهره می‌گیرد و آن را بدون دخالت دولت صرف هزینه‌های آموزشی، تبلیغی، فرهنگی و عام‌المنفعه می‌کند. وقف در لبنان به هیچ‌وجه در حوزه اختیارات حکومتی نیست. به همین دلیل حوزه مدنی اسلامی خود را حفظ کرده است. پس از اهل سنت شیعه‌ها هم وارد عرصه آموزش دینی می‌شدند، شیخ جعفر مهاجر از علمای شیعه پیشکسوت در عرصه آموزش در لبنان است. او در انقلاب ۱۹۲۰ بر ضدانگلیسی‌ها در جنوب عراق نقش فعالی داشت و پس از آن مجبور به ترک عراق و بازگشت به موطن خود یعنی جبل‌العامل لبنان شد. وی در بقاع یک مدرسه دینی تأسیس کرد. در همان دوران یعنی اوایل قرن بیستم مرحوم سیدمحسن‌الامین، پدر مرحوم سیدحسن امین، در منطقه شیعیان دمشق مدرسه‌ای را به روش جدید راه‌اندازی می‌کند و فضای آموزشی را فعال می‌کند و موجب تغییراتی در نوع تبلیغ دینی می‌شود. او تأکید می‌کند که مبلغان اسلامی شیعی نباید سخنانی بگویند که موجب اهانت و تمسخر شیعه شود. حسن امین، اصلاح‌اندیشه شیعی را با آغاز قرن بیستم از خاورمیانه شروع کرد. او با اعتراض به عزاداری‌هایی که بیشتر به رسوم عامیانه شبیه است، توصیه می‌کند که مرثیه‌خوانی سیدالشهدا باید در شأن آن حضرت باشد. او همچنین با رسم آن زمان شیعیان که جنازه‌های رفتگان خود را به عتبات عالیات منتقل می‌کردند مخالفت می‌کند و آن را موجب مشکلات و بیماری‌های فراوان می‌شمرد. زمانی که پذیرفتید در سرزمین مشخصی به خاک سپرده شوید یعنی متعلق به آن خاک‌اید. تا پیش از آن، طایفه برای شیعیان لبنان بیشتر از خاک ارزش داشت اما امروزه این تفکر در حال تغییر است و این احساس به‌وجود آمد که هر فرد باید در وطن - خاک - خود به ایفای انواع نقش‌های اجتماعی - سیاسی اقتصادی و مانند آن بپردازد.

اما توسعه نشر دینی که امروزه در لبنان به صورت گسترده شاهد آن هستیم به سالیان نیمه قرن بیستم بازمی‌گردد. نشر دینی فضای دیگری دارد و بعد از استقلال یا شکل‌گیری دولت جدید لبنان شاهد فعال شدن و متمرکز شدن بیش از پیش عرصه‌های دینی در لبنان هستیم. به رغم اینکه نظام حکومتی در لبنان سکولار است، فضای جامعه لبنان کاملاً دینی است. در عرصه نشر دینی مارونیان کاتولیک و ارتدکس‌ها نیز فعال‌اند. ژورنوئیته‌ها هم، فعالیت دینی و آموزشی پررونقی در قالب دانشگاه سن‌ژوزف دارند. فضای پررونق آموزشی در لبنان به عرصه روشنفکری در ایران نیز کشیده می‌شود و در ابتدای قرن بیستم افرادی مانند جمالزاده در سال ۱۹۰۸ میلادی، بعد از مشروطیت، به لبنان هجرت می‌کنند. در نیمه اول قرن بیستم شخصیت‌های ایرانی دیگری نیز چون دکتر حسینی و دکتر قاسم غنی از فضای علمی و پویای لبنان بهره می‌گیرند.

○ چرا این اتفاق می‌افتد؟

○ نقش فرانسوی‌ها در فضای علمی کشور بسیار فعال است. دو دانشگاه خاورمیانه، دانشگاه سن‌ژوزف و دانشگاه آمریکایی، در این میان نقش مهمی دارند. درحقیقت لبنان برای افرادی که می‌خواهند با اروپا و

مدارس برای آموزش دین، کتاب‌های آموزشی مخصوص به خود را منتشر ساختند.

○ با توجه به فضای سکولار دولت لبنان، این مدارس دینی چگونه فعالیت می‌کنند؟

○ یکی از مشکلاتی که این اواخر دولت لبنان با آن مواجه است کتاب‌های دینی و تاریخ مدارس است. هجده طایفه دینی در لبنان وجود دارد. با توجه به این تنوع دینی تدوین کتب درسی بسیار دشوار است. مسیحیان خودشان را فینیقی می‌دانند و مسلمان‌ها خود را عرب می‌دانند. در حال حاضر هر مرکز آموزشی دینی، کتب آموزشی خود را دارد. به هر حال با این فضا، نشر دینی بسیار متنوع و رقابت‌جویانه است. از نظر هویتی در حال حاضر سه حوزه فعال نشر دینی در لبنان وجود دارد نشر دینی «مسیحی» نشر دینی «اسلامی - سنی» و نشر دینی اسلامی - شیعی. عموماً لبنان در دو حوزه اخیر یعنی نشر دینی سنی و شیعی بیشتر واسطه تولید است و درحقیقت پدیدآوری و مصرف مربوط به کشورهای دیگر است. به واقع مصری‌ها می‌نویسند لبنانی‌ها چاپ می‌کنند و عراقی‌ها می‌خوانند. بنابراین مخاطب نشر دینی لبنان کل جهان عرب است و صرفاً به جمعیت ۳ یا ۴ میلیونی لبنان منحصر نمی‌شود. با توجه به اینکه لبنانی‌ها تبلیغ‌گران خوبی هستند و روابط عمومی آنها قوی است در تبلیغات در رسانه‌های گوناگون اعم از نوشتاری، شنیداری و دیداری فعال‌اند. برای مثال بهترین و مهم‌ترین مجری‌های تلویزیون‌های عربی لبنانی هستند و بهترین صنعت چاپ در جهان عرب در لبنان شکل گرفته است. شاید بتوان گفت اخلاق و رفتار اجتماعی لبنانی‌ها به نقش فعال آنان در عرصه نشر دینی کمک کرده است.

اگر مقایسه‌ای بین نشر دینی لبنان و ایران قبل از انقلاب انجام شود می‌توانیم منشأ رقابت اصلی در این عرصه را پیدا کنیم. در آن زمان کوچه حاج نایب تهرانی و تا اندازه‌ای هم مشهد با بیروت رقابت داشتند و در کل بیروت موفق‌تر از عراق و ایران عمل می‌کرد. یکی از دلایل این برتری امکان دستیابی به دستگاه‌های پیشرفته صنعت چاپ در لبنان بود. نشر دینی لبنان توانست به خوبی همگام با پیشرفت صنعت پیش رود. شاید نمونه بارز رقابت در نشر دینی بین ایران و لبنان، انتشار تفسیر المیزان باشد. نخست آقای آخوندی در ایران این مجموعه را به عربی چاپ می‌کند بعد لبنانی‌ها با امکاناتی که دارند چاپ جدیدی از آن ارائه می‌کنند. البته نشر دینی در لبنان و ایران پس از انقلاب به موازات هم حرکت کرده است. با این تفاوت که در ایران حمایت دولتی، کاغذ دولتی، ورود دستگاه‌ها یا چاپ با ارز دولتی وجود دارد و در بیروت فقط رقابت بخش خصوصی و جامعه متدین شیعه هدایت‌گر آن است.

○ به نظر شما با توجه به تحولات اخیر عراق، حوزه نشر دینی هم در منطقه تغییر می‌یابد؟

○ گمان می‌برم با تغییرات اجتماعی عراق، تغییراتی در پایگاه نشر دینی رخ دهد. مثلاً برای کاستن هزینه‌های حمل و نقل و با توجه به

اینکه بیشترین مخاطبان این کتاب‌ها در کشورهای خلیج فارس هستند لبنان بخشی از پایگاه نشر خود را به حوزه‌ای نزدیک، مثل بغداد انتقال خواهد داد. ایران هم اگر بخواهد در این حوزه نقشی داشته باشد باید قوانین دست و پاگیرش را در توسعه نشر بین‌الملل سریع تغییر دهد تا بتواند به صورت رقابتی وارد حوزه نشر کشورهای عربی شود؛ بازاری که هم سودآور است و هم خواننده بسیار دارد.

○ آیا در لبنان نشریاتی منتشر می‌شود که با حوزه فرهنگی ایران ارتباط داشته باشد؟

○ بله. نخستین نشریه العرفان بود که انعکاس قضایای مشروطه در آن بسیار قابل توجه است. بعد در سال ۱۹۵۷ مجله دراسته‌الادبیه که از سوی مرکز زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لبنان منتشر می‌شود به میدان علمی پای می‌گذارد. این مجله را مرحوم دکتر محمد محمدی که چند ماه پیش به رحمت خدا رفت به دو زبان عربی و فارسی منتشر می‌کرد. این مجله علمی در عین آن که به مسائل تاریخی و کهن ایران می‌پردازد به مسائل جبل‌العامل به عنوان پایگاه شیعی نیز توجه خاص دارد.

○ برخی از آموزه‌های شیعی از سوی مسیحیان لبنان شکل یافته است. علت آن چیست؟ علاوه بر آن، خانواده‌های هاشمی به مرور زمان به مسیحیت روی آورده‌اند. چه فعل و انفعالاتی صورت گرفته که این خاندان مسیحی می‌شوند؟

○ عامل اصلی تغییر دین در لبنان فشارهای سیاسی است. مهم‌ترین چیز حفظ جان است. کشتار شیعیان به دست سپاه صلاح‌الدین ایوبی و پس از آن مملوکی‌ها و عثمانی‌ها و نیز دولت‌های خودمختار به اندازه‌ای بود که برخی برای رهایی از وضع موجود به تغییر دین روی می‌آوردند. در گذشته، هرکس که می‌خواست باورهای دینی خود را که مخالف باور دینی قدرت حاکمه است حفظ کند به کوهستان‌ها پناه می‌برد. اما در دوره‌هایی امنیت آنها نیز به خطر افتاد و ناگزیر به خروج دینی شدند. البته نسل اول از این گروه نوعی به تقیه دینی عمل می‌کردند، اما با مرور زمان نسل دوم هویت اصلی خویش را فراموش کردند و باور جدید را به راحتی پذیرفتند. شبیه این اتفاق به گونه‌ای دیگر در اندلس نیز روی داد. زمانی که اندلس سقوط کرد مسلمانان نزدیک به ۱۲۰ سال مجبور به تقیه دینی شدند و آداب مسیحیت را رعایت می‌کردند در حالی که در باطن مسلمان بودند. اما نسل‌های بعدی به طور کلی مسیحی شدند و امروز فقط با بررسی ریشه‌های آداب و رسوم سنتی می‌توان پیشینه اسلامی آنها را کشف کرد. قصه دردناک تفلیس نیز از این دسته است که از اشاره به آن صرف‌نظر می‌کنم.

○ فعالیت‌های فرهنگی خانواده‌هایی که ابتدا شیعه بودند و بعد مسیحی شدند در جامعه کنونی لبنان به چه ترتیب است؟ و آیا لبنان جامعه‌ای دینی است یا غیردینی؟

○ گرایش‌های سکولار لبنانی، غیردینی است نه ضددینی. غیردینی

متعصب‌اند. نشر دینی یا به عبارت دیگر تفکر حاکم بر آن را می‌توان به چند قسم تقسیم کرد از جمله تفکر سلفی‌گری که نشر آن به چالش درون‌مذهبی و درون‌دینی می‌پردازد و در این عرصه به نشر کتاب می‌پردازد. این نوع سلفی‌گری می‌تواند هم شیعیان را دربرگیرد و هم اهل سنت را. ناشرانی نیز وجود دارند که صرفاً میراث و فرهنگ اسلامی را خارج از هرگونه چالش منتشر می‌کنند. نزاع‌های درون‌دینی در لبنان بسیار قوی است. مثلاً اندیشه سلفیان و وهابی‌گری فعال است که از آن‌ها نام نمی‌برم. اینها در عرصه نشر دینی بسیار فعال‌اند. شایان ذکر است که ناشران اسلامی که به تبلیغ و نشر بر ضد مسیحیت بپردازند یا ناشران مسیحی که به فعالیت ضداسلامی در لبنان بپردازند وجود ندارد و اگر در این خصوص کتابی منتشر شود بیشتر شکل محترمانه دارد. باید یادآور شد که مسیحیان هم باورهای درون‌دینی خود را به چالش می‌طلبند. لذا اختلاف بین ارتدکس‌ها و مارونی‌ها و پروتستان‌ها در لبنان کم نیست و این اختلاف در آموزش و نشر دینی خود را پدیدار می‌سازد.

○ تیراژ کتاب‌ها چگونه است؟
○ شمارگان کتب دینی در حوزه‌های تخصصی و مرجع زیاد نیست و دنیای الکترونیک جای آن را گرفته است. اما کتبی که دینی است و به باورهای عامیانه نیز می‌پردازد تیراژ بالا با چاپ‌های متعدد دارد. البته این پدیده نگران‌کننده است که جای بحث آن در این جا نیست. تیراژ کتاب‌های ارزشمند پایین است و بحران نشر دینی در لبنان همانند سایر کشورها مشهود است. نویسندگان آثار دینی که کتاب‌هایشان در لبنان منتشر می‌شود اکثراً خارج از لبنان‌اند.

مقوله دیگر کتبی است که در لبنان به نشر ضد دینی می‌پردازند که تک‌عنوان‌هایی است که هر از گاهی در لبنان حضور می‌یابند اما طلوع و افول زودگذری دارند. نشر دینی در لبنان از نظر محتوایی هنوز در فضای سنتی سیر می‌کند، در حالی که نشر دینی در ایران پس از انقلاب با توجه به تاثیر شگرف اندیشه‌های حضرت امام (ره) گام‌های بسیار بلندی در نواندیشی دینی برداشته شده است. یک نکته شاید برای خوانندگان جالب باشد که کتاب ولایت فقیه امام نخستین بار در سال ۱۳۴۸ در لبنان منتشر شد. این کتاب ماحصل درسهای حضرت امام در بحث بیع با موضوع ولایت فقیه بود. این بحث‌ها در قالب یک کتاب جمع‌آوری شد و آقای جلال‌الدین فارسی که در آن زمان فعال بود آن را برای نشر در اختیار انتشارات علمی قرار داد. علاوه بر آن پاره‌ای از بیانیه‌ها و اعلامیه‌های امام و سایر گروه‌هایی که به مبارزه با رژیم پهلوی می‌پرداختند، در بیروت به عربی ترجمه و منتشر می‌شد.

بودن آن‌ها برای جلوگیری از خونریزی است. لبنان نظام سیاسی خود را طوری طراحی کرد که از دین فاصله بگیرد و درعین حال دین‌دار باشد. آنها معتقدند سیاست عرصه منافع و مصالح است، لذا اگر هر طایفه‌ای خواهان دستیابی به قدرت سیاسی برابر با انگاره‌های دینی خود باشد نتیجه‌ای جز جنگ مجدد داخلی ندارد. به این دلیل شیعیان مسیحی شده مثل خانواده هاشم که از سادات نیز هستند، با اینکه مسیحی‌اند به امیرالمومنین علی(ع) عشق می‌ورزند. حتی علت آنکه خانواده‌ای مثل جورج جرداق نیز به اهل بیت علاقه‌مندند ارتباط و نزدیکی آنها با محیط شیعی است. جورج جرداق می‌گوید بر سر در خانه پدری ما عبارت «لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار» نقش بسته بود!

به هر حال فضای رسمی لبنان به رغم غیردینی بودن، دینی است. برای مثال می‌توان به پدیده ازدواج مدنی اشاره کرد: ازدواجی که در مراکز دینی ثبت نمی‌شود و در کشورهای غربی، شهرداری‌ها عهده‌دار

ثبت آن‌اند. قانون ازدواج مدنی در لبنان با مخالفت جدی طبقات دینی رو به رو شد که در مقابل این قانون ایستادند. مسیحیان گفتند ازدواجی که در کلیسا ثبت نشود قانونی نیست. اهل سنت هم به همین شکل؛ البته شیعیان نظر معتدل‌تری داشتند زیرا عقد ازدواج در میان شیعیان به ثبت یا منعقد شدن در مکانی مقدس نیاز ندارد شاهد هم نمی‌خواهد. به طور کلی لبنان را باید یک جامعه دینی تعریف کنیم. البته جامعه‌ای دینی که برای فرار از جنگ و خونریزی داخلی نظام سیاسی سکولار را پذیرفته است؛ دولت سکولاری که حق

ندارد ضددینی باشد بلکه باید غیردینی عمل کند و به همه ادیان به تساوی بنگرد. از جمله عوامل مهمی که لبنان را وادار کرده به نظام سیاسی غیردینی بیاندیشد. دولت نژادپرست اسرائیل با انگاره‌های دینی در همسایگی اوست.

○ هر کدام از عرصه‌های نشر دینی در لبنان چگونه عمل می‌کنند؟

○ در لبنان در کنار نشر دینی، نشر غیردینی هم ایجاد شده است. انتشارات غیردینی به حوزه‌های دینی چالش‌برانگیز نمی‌پردازد اما به حوزه میراث فرهنگی اسلام می‌پردازند. انتشارات شیعی و سنی از دیدگاه هویتی به دو گونه‌اند: انتشاراتی که صرفاً کتب شیعی منتشر می‌کنند؛ و انتشاراتی که کتب اسلامی اعم از سنی و شیعی منتشر می‌کنند. برخی از ناشرانی که نگاه توسعه‌گراانه یا جهان‌شمول به تفکر شیعی دارند به عرصه‌های چالش‌برانگیز درون‌مذهبی و درون‌دینی نمی‌پردازند. اما در انتشارات اسلامی و به طور خاص انتشارات سنی، کتب شیعه را چاپ نمی‌کنند. مثلاً یک ناشر سنی به ندرت به سراغ چاپ کتاب اصول و فروع کافی یا من یحضره الفقیه می‌رود. سنی‌ها در این عرصه

نشر شیعی در لبنان با حضور ایرانی تبارها
پررونق می‌شود. از جمله مصطفی ایرانی
با تأسیس دارالاحیاء التراث، حاج حامد
عزیزی با تأسیس دارالتعارف و
آقای اعلی با تأسیس انتشارات اعلمی
فضای نشر دینی لبنان را
دگرگون و نشر شیعی را در منطقه جنوب
بیروت سامان‌دهی و طراحی می‌کنند